

سلسله نشست‌های

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دستاوردها، ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها

عنوان پژوهش

ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی مبتنی
بر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

شماره مسلسل: ۱۳۹۹۰۰۰۱۹

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴



فهرست مطالب

موضوع نشست	۳
مقدمه	۴
تبیین مفهوم و قلمرو نظارت عمومی و ظرفیتهای قانون اساسی در تحقق آن	۵
۱- مفهوم و قلمرو نظارت عمومی	۵
۱-۱- مفهوم نظارت عمومی	۵
۱-۲- تفاوت نظارت عمومی با نظارت رسمی	۵
۱-۳- قلمرو نظارت عمومی	۶
۲- مفهوم دولت در اصل هشتم قانون اساسی	۸
۳- ظرفیتهای قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی	۹
۳-۱- لزوم طراحی شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر	۱۰
۳-۲- ظرفیت رسانه‌های عمومی در تحقق امر به معروف و نهی از منکر	۱۲
۳-۳- ظرفیت احزاب و گروه‌ها در تحقق امر به معروف و نهی از منکر	۱۲
۳-۴- سایر ظرفیتهای قانون اساسی در تحقق امر به معروف و نهی از منکر	۱۴
تبیین مفاهیم مندرج در اصل هشتم قانون اساسی و ارتباط این اصل با سایر اصول قانون اساسی	۱۵
۱- عدم تلازم عدم تفحص در امر به معروف و نهی از منکر با تصادفی بودن آن	۱۵
۲- مفهوم دعوت به خیر در اصل هشتم قانون اساسی	۱۵
۲-۱- لزوم وجود امر و نهی در امر به معروف و نهی از منکر	۱۶
۲-۲- دعوت به خیر زمینه‌ساز تحقق امر به معروف و نهی از منکر	۱۶
۳- مفهوم واژه‌ی «قانون» در اصل هشتم قانون اساسی	۱۷
۴- نسبت میان اصل هشتم قانون اساسی و جایگاه رهبری	۱۸
۵- نظارت همگانی در اصل هشتم قانون اساسی	۱۸
۶- نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی	۱۹
۷- مسئولان، اولویت امر به معروف و نهی از منکر	۲۰
جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منظومه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۲۲
۱- امر به معروف و نهی از منکر جزء اصول کلی و مبنایی قانون اساسی	۲۲
۲- اهمیت و جایگاه اصل هشتم قانون اساسی	۲۳
۱-۲- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات	۲۳
۲-۲- اعطای جواز امر به معروف و نهی از منکر از سوی شارع مقدس	۲۴

- ۳-۲- امر به معروف و نهی از منکر عامل همبستگی بین آحاد اعضای جامعه... ۲۵
- ۴-۲- امر به معروف و نهی از منکر به مثابه‌ی تکلیف همگانی ۲۵
- ۳- امر به معروف و نهی از منکر ابزاری برای براندازی حکومت فاسد ۲۹
- ۴- رابطه‌ی حق آزادی تجمعات و تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ۳۱
- پرسش و پاسخ ۳۲

موضوع نشست

ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران^۱

مدعوین

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین جوان‌آراسته

دکتر اکبر طالبکی

دکتر حامد نیکونهاد

مکان نشست: دانشگاه قم

زمان نشست: ۱۳۹۸/۸/۱۴

۱. اصول مرتبط و متناظر با امر به معروف و نهی از منکر:

۱- بند ۱ اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

۲- ...»

۲- اصل ۸ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ).

مقدمه

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی سبب گردیده است تا قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این مهم را مورد توجه قرار دهد. به موجب اصل هشتم، در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. همچنین مطابق بند اول اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است همه‌ی امکانات خود را در خصوص ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار گیرد. هرچند در اصول مذکور، موضوع امر به معروف و نهی از منکر در حوزه‌های سه‌گانه مورد توجه قرار گرفته است اما بحث از چگونگی تحقق این فریضه و راهکارهای آن به صورت ضابطه‌مند کمتر صورت گرفته است. از همین رو، نشست علمی، تحت عنوان «ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با حضور جناب آقای دکتر حسین جوان‌آراسته، جناب آقای دکتر اکبر طلائی و جناب آقای دکتر حامد نیکونهاد در دانشگاه قم برگزار شد. از جمله مباحث مطرح شده در این نشست می‌توان به تبیین مفهوم و قلمرو نظارت عمومی و ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق آن، تبیین مفاهیم مندرج در اصل هشتم قانون اساسی و ارتباط این اصل با سایر اصول قانون اساسی و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منظومه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

تبیین مفهوم و قلمرو نظارت عمومی و ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق آن

(دکتر حسین جوان‌آراسته)^۱

۱- مفهوم و قلمرو نظارت عمومی

من در ابتدای بحثم دو سه واژه را توضیح می‌دهم که فکر می‌کنم تأمل در این کلیدواژه‌ها و اصطلاحات به تبیین بیشتر موضوع بحث کمک خواهد کرد. یکی از این واژه‌ها نظارت عمومی است. چون عنوان نشست ما ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی است، من در ابتدا یک توضیح کوتاهی راجع به این قضیه عرض می‌کنم. در ابتدا ما باید تفاوت اصطلاح نظارت‌های عمومی و نظارت‌های رسمی را بشناسیم و بعد از آن به ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی بپردازیم.

۱-۱- مفهوم نظارت عمومی

همان طوری که دانشجویان استحضار دارند، نظارت به معنای مراقبت و زیر نظر داشتن است. یک عمل آگاهانه و انتخابی است که به منظور آگاهی از عملکرد نظارت‌شونده و جلوگیری از انحراف، اشتباه یا تضییع حقوق است. این عمل می‌تواند به صورت آشکار یا مخفیانه و به شیوه‌های مختلف صورت گیرد. این نظارت بیشتر معطوف به نظارت رسمی است که من عرض می‌کنم.

۱-۲- تفاوت نظارت عمومی با نظارت رسمی

نظارت رسمی در ابعاد مختلف اداری، قضایی و سیاسی، اصولاً عامدانه است؛ یعنی مقام ناظر، عالماً و عامداً دست به عمل نظارتی خودش می‌زند. به همین جهت اقدامات تصادفی در معنای نظارت رسمی جایی ندارد. در حالی که امر به معروف و نهی از منکر که موضوع اصل هشتم قانون اساسی است، بحث نظارت عمومی است. اگر این نظارت را ما به عنوان یک نظارت عمومی تلقی می‌کنیم به این دلیل است که این نظارت، نظارت‌های تصادفی هستند و نه نظارت عالمانه‌ی عامدانه‌ی به صورت آشکار یا پنهان. این موضوع یعنی چه؟ یعنی نظارت عمومی آن جایی است که افراد بدون بررسی و بدون برنامه‌ی پیشینی و قبلی با یک معروف ترک شده‌ای یا یک منکر ارتکاب یافته‌ای مواجه می‌شوند. این نظارت به صورت معمولی و عادی است، نه به صورت برنامه‌ریزی

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شده؛ یعنی شما اگر بخواهید در مقام فحص و تجسس، برنامه‌ریزی کنید که آیا این فرد تارک معروف یا مرتکب یک منکری است، این مربوط به نظارت‌های رسمی است. این نظارت ذیل یک عنوان دیگری می‌گنجد نه ذیل عنوان امر به معروف و نهی از منکر. به همین جهت جالب است که من اشاره بکنم که این دقت در ماده ۳ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر^۱، صورت گرفته است. در ماده سه می‌گوید: «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»؛ یعنی بدون اینکه ما در مقام تجسس و جستجو برای رفتار یا گفتار افراد برآمده باشیم، خود ما مشاهده می‌کنیم که فرد یا به شکل علنی یک منکری را مرتکب می‌شود و یا کاملاً مشاهده می‌کنیم فردی که باید یک معرفی را انجام دهد، مشهود است که دارد ترک معروف می‌کند. نظارت عمومی جایش اینجاست. به همین جهت من می‌خواهم عرض بکنم این نظارت‌ها حتی با نظارت‌هایی که در لسان روایات ما هستند، متفاوت است؛ مثلاً با نظارتی که در برخی از نامه‌های نهج‌البلاغه است که امیرالمومنین تعبیر به عیون می‌کند. عیون، یعنی افرادی که از طرف حکومت گمارده می‌شوند. گاهی از اوقات در زبان عربی به جاسوس عین گفته می‌شود. عیون یعنی جاسوس‌ها. افرادی که از طرف حکومت گمارده می‌شوند که عملکرد مقامات زیر دست خودشان را زیر نظر و زیر ذره‌بین می‌گیرند؛ یعنی امیرالمومنین (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر، می‌فرماید: شما کارگزاران و جاسوسان خودت را که افراد صادق و وفادار به حکومت هستند را زیرمجموعه خودت بگمار. آن مجموعه همان نظارت‌های رسمی است؛ یعنی نظارت‌هایی را که ما در سلسله مراتب اداری مشاهده می‌کنیم. بنابراین نظارت‌هایی که در رابطه با امر به معروف، تحت عنوان نظارت عمومی از آن یاد می‌کنیم، طبیعتاً در این نظارت‌ها حق تحقیق و تفحص و تجسس و این‌ها نسبت به اعمال دیگران مطرح نیست.

۳-۱- قلمرو نظارت عمومی

همین جا یک مسئله دیگری را باید مطرح کنم که باز این مسئله هم نسبت به ظرفیت‌شناسی قانون اساسی در نظارت عمومی دخیل است و آن قلمرو نظارت عمومی

۱. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی.

است. خب شما فرق نظارت رسمی با نظارت عمومی را متوجه شدید. اصل هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در نظام جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون مشخص می‌کند.» اصل هشتم، نظارت مردمی یا نظارت عمومی را محدود به موارد و موضوع خاصی نکرده است. مطابق تعریفی که ما از معروف و منکر داریم اگر نظارت مردمی می‌خواهد صورت بگیرد، این اصل مربوط به اینجا است. من تعریف قانونی‌اش را ذکر می‌کنم. تعریف معروف و منکر در ماده (۱) «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، ارائه شده است. تعریفش به نظر من تعریف مناسبی است. تعریف دقیقی است. ببینید تعریفش چیست؛ در ماده (۱) این قانون^۱ اشاره می‌کند که هر گونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد اشاره قرار گرفته و یا منع شده باشد؛ این معروف است یا منکر. این تعریفی است که در خود قانون آمده است. شما این تعریف را در کنار اصل هشتم قانون اساسی بگذارید. اینکه عرض می‌کنم نظارت عمومی محدود به موارد خاصی نشده است و یک حوزه‌ی بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود که در ظرفیت‌های مرتبط با نظارت عمومی و برداشت شده از قانون اساسی بسیار کمک می‌کند. ما از اصل هشتم و ماده یک قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که در تعریف معروف و منکر به ما راهنمایی داده است، می‌توانیم به روشنی یک دایره‌ی گسترده‌ای را برداشت کنیم. این حوزه‌ها عبارت هستند از مفاسد اقتصادی و مالی، مفاسد اخلاقی، عدم رعایت شئون اسلامی، عدم رعایت انضباط اداری، عدم رعایت وجدان کاری، حیف و میل بیت‌المال، تجمل‌گرایی، ناتوانی در انجام مسئولیت، بی‌توجهی به حقوق و کرامت انسانی افراد و هر معرفتی که از سوی مردم یا دولت‌مردان ترک شده یا هر نوع منکری که توسط دولت‌مردان یا مردم صورت گرفته است. پس این قلمرو نظارت عمومی است که بسیار موسع است.

۱. ماده (۱) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «در این قانون، معروف و منکر عبارتند از هر گونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

۲- مفهوم دولت در اصل هشتم قانون اساسی

دومین مفهوم که باید به آن پردازیم: مفهوم دولت است. اصل هشتم قانون اساسی را ملاحظه بکنید؛ می‌گوید: دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم، مردم نسبت به دولت. دولت یعنی چه کسی؟ چه کسانی دولت هستند؟ این که من دارم می‌گویم به خاطر این است که برخی از برداشتهایی که بعضی از اساتید ما داشتند نیاز به دقت بیشتری دارد.

همان طور که می‌دانید، دولت در سه معنا به کار برده می‌شود. یک دولت به معنای عام خودش است که معادل state است؛ دولت -کشور که دارای ارکان چهارگانه است. رکن انسانی، جغرافیایی، حاکمیت و حکومت. گاهی دولت را معادل government به کار می‌بریم؛ دولت یعنی هیئت حاکمه، حکومت و قوای سه‌گانه و گاهی دولت را در خصوص قوه مجریه به کار می‌بریم. من می‌خواهم عرض بکنم واژه‌ی دولت در اصل هشتم و در برخی از اصول دیگر قانون اساسی به معنای دوم است؛ یعنی دولت به معنای مجموعه هیئت حاکمه. چرا من تأکید می‌کنم؟ من اینجا یک پرنانتری باز بکنم. دوستانی که با من ارتباط دارند، می‌دانند من فدایی رهبری هستم. ولی الان می‌خواهم نسبت به کسانی که رهبری را از مفهوم دولت در اصل هشتم خارج کردند نقدی بکنم. من می‌خواهم بگویم این نباید خارج می‌شد. این به ضرر رهبری عزیز انقلاب است. در پیش‌نویس بند (ج) ماده ۲ طرح امر به معروف و نهی از منکر که در سال ۸۹ که در قالب یک طرح یک فوریتی به مجلس ارائه شد و یک فوریت آن تصویب شد، در تعریف دولت گفته شده بود: کلیه قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح، کلیه دستگاه‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند و کلیه دستگاه‌هایی که مشمول قوانین و مقررات عمومی هستند. دولت را اینگونه تعریف کرده بود؛ این تعریف از دولت، مقام معظم رهبری را از دایره خارج می‌کرد. من آن زمانی که طرح امر به معروف و نهی از منکر مطرح بود، دو یا سه جلسه در کمیسیون فرهنگی مجلس شرکت کردم و نقد خودم را گفتم؛ گفتم این به ضرر و زیان است. آن طرح با فراز و نشیب تصویب شد. به نظر من الان این کار با دقت صورت گرفته است. الان ماده (۸) «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان

از منکر^۱، درک دقیقی از دولت را متوجه شده است. می‌گوید مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردار هستند. بعد توضیح می‌دهد و در چارچوب قوانین می‌تواند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمام اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر نمایند. تمام اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه؛ بعد این‌ها را می‌شمارد. همه این‌ها مفهوم دولت شامل‌شان می‌شود. اگر ما در اصل هشتم گفتیم وظیفه‌ی امر به معروف را مردم نسبت به مردم، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت دارند؛ یعنی از بالاترین مقامی که در حاکمیت کشور نقش ایفا می‌کند، تا پایین‌ترین رده‌های مدیریتی و اداری کشور، این‌ها مشمول اصل هشت قانون اساسی هستند. جالب است که ماده (۸) «قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر» هم به این موضوع تصریح کرده و آنچه را که در طرح اولیه در مفهوم دولت بیان شده بود را ذکر کرده است. من این دو مفهوم را خیلی سریع عرض کردم.

۳- ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق نظارت عمومی

اما من خدمت استادان و دانشجویان گرامی راجع به ظرفیت‌های قانون اساسی برای تحقق نظارت عمومی با همان مفهومی که از نظارت عمومی و تلقی که ما از دولت باید داشته باشیم، عرض می‌کنم: نظارت عمومی را در هر سه حوزه‌ای که در اصل هشتم مورد تصریح قرار گرفته باید بررسی کنیم؛ یعنی مردم نسبت به خودشان، مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم. بنابراین همه‌ی اجزای حاکمیت را مورد توجه قرار می‌دهیم. وقتی اصل هشتم مسئله‌ی امر به معروف را به عنوان یک وظیفه همگانی مطرح می‌کند، بعد ذیل آن اشاره می‌کند جزئیات و شرح وظایف و اجرایی شدن این اصل را قانون مشخص می‌کند. من فکر می‌کنم این ظرفیت خوبی است که قانون اساسی ایجاد کرده است. ما در اجرای آن «قانون» که در ذیل اصل هشتم آمده، قانون حمایت از آمران به معروف را داریم.

۱. ماده ۸ «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.»

۳-۱- لزوم طراحی شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر

در قانون مذکور، برای اجرایی کردن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، یک ستادی را در نظر گرفته‌اند به عنوان ستاد امر به معروف و نهی از منکر؛ وظایف این ستاد در ماده (۱۶) این قانون، در دوازده بند شرح داده شده است.^۱

من به شرح وظایف این ستاد کاری ندارم. اما در ماده ۱۹ ترکیب این ستاد را بیان کرده است.^۲ در زمانی که این طرح در مجلس مطرح بود، من یک نقدی داشتم که در کمیسیون

۱. ماده ۱۶ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی:

«ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می شود؛ عهده دار وظایف زیر است:

۱- تعیین سیاست ها و خط مشی های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی ذی ربط .

۲- تبادل اطلاعات و نظرات برای شکل گیری سیاست های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

۳- آسیب شناسی و ریشه یابی علل ترک معروف و ارتکاب منکر

۴- تعیین الگوهای رفتاری

۵- زمینه سازی جهت مشارکت همه جانبه آحاد مردم و دستگاه های اداری و رسانه های عمومی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

۶- رصد اقدامات انجام شده در اجرای این قانون و انعکاس آن به مراجع ذی ربط

۷- تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه

۸- آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج گسترش فرهنگ آن

۹- شناسایی ظرفیت ها و کمک به تشکیل جمعیت ها و تشکل های مردمی فعال

۱۰- حمایت همه جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر

۱۱- پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راهکارهای اجرایی فرهنگ عفاف و حجاب

۱۲- ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه گانه و مردم»

۲. ماده ۱۹ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای

اسلامی: «اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاستگذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد

۲- وزیر کشور

۳- وزیر اطلاعات

۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- وزیر آموزش و پرورش

۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت

عرض کردم و آنجا مطرح شد. من نسبت به این ترکیب نقد داشتم. احساس من این است که ای کاش برای ظرفیت‌سازی نسبت به تحقق امر به معروف و نهی از منکر یک ترکیب دیگری پیش‌بینی شده بود. باید ترکیب ستاد به نحو دیگری بود. ما زمانی می‌توانیم بهترین ظرفیت‌سازی را داشته باشیم که در همین قانون، شورایی را به عنوان شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر در عالی‌ترین سطوح کشوری داشته باشیم. شما شورای عالی انقلاب فرهنگی را ببینید. شورای عالی امنیت ملی را ببینید. تصمیماتشان دارای ضمانت اجرا است. تصمیمات این ستاد، ضمانت اجرا می‌خواهد. ضمانت اجرا وقتی تحقق پیدا می‌کند که کسانی که سیاست‌گذاری می‌کنند، از عالی‌ترین مقامات کشور باشند. اگر شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شده بود و عالی‌ترین مقامات کشور در آن عضو بودند، این شورا در تراز شوراهاى عالی کشور قرار می‌گرفت. یکی از شرح وظایف‌شان، سیاست‌گذاری در حوزه امر به معروف و نهی از منکر بود. البته صبغه و رنگ و بوی مردمی آن هم باید حفظ شود؛ یعنی فقط دولتی نباشد. به صورت توأمان، دولتی و مردمی باشد. اگر شما شورای عالی داشته باشید، این شورای عالی اقتضائاتی دارد. ضمانت‌اجراهایی دارد. توانایی اتخاذ تصمیماتی را دارد که این ترکیب ستاد امر به معروف و نهی از منکر هیچ وقت آن توانایی و آن قدرت و قوت و ضمانت اجرا برخوردار نیست. قانون اساسی این ظرفیت را در اختیار ما گذاشته

۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر

۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضاییه

۱۰- رئیس سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران

۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱۳- رئیس سازمان بسیج

۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه

۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه

۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خواهران

۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد

تبصره ۱-...»

است. اصل هشتم گفته «شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.» در حالی که ما خودمان یک قانونی درست کرده‌ایم و یک مجموعه‌ی ضعیف را به‌عنوان ستاد امر به معروف گذاشته‌ایم. کسانی که نگاه نقادانه دارند، می‌توانند نسبت به این مجموعه نقد داشته باشند. اعضای این ستاد یکی امام جمعه است، فرماندهان نظامی و انتظامی هستند. کسانی که از به ترکیب این ستاد نقد دارند، می‌گویند باید این ترکیب در یک سطح عالی طراحی می‌شد؛ این ظرفیت را قانون اساسی ایجاد کرده و ما می‌توانستیم از این استفاده کنیم.

۲-۳- ظرفیت رسانه‌های عمومی در تحقق امر به معروف و نهی از منکر

ما ابزارهای قانونی دیگری مثل مطبوعات و رسانه‌ها را داریم که این ابزار در اصل ۲۴ قانون اساسی مشخص شده است.^۱ در مورد صلاحیت‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز در اصل ۱۷۵ این موارد تأکید شده است.^۲ صدا و سیما یکی از ابزارهای مهمی است که ظرفیت ایجاد می‌کند تا برای امر به معروف و نهی از منکر از آن بهره‌مند شویم. همان‌طور که صدا و سیما به مثابه یک دانشگاه عمل می‌کند، رسانه‌های رسمی و غیررسمی می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. حتی به نظر من می‌توانیم یک شبکه خاصی را در صدا و سیما داشته باشیم. ما شبکه‌های متعددی داریم. این‌ها شایست‌ها و ناشایست‌ها را تبیین کنند. به صورت معقول و مقبول حوزه‌های مرتبط با این‌ها ارائه شود تا ما از این جهت استفاده بکنیم.

۳-۳- ظرفیت احزاب و گروه‌ها در تحقق امر به معروف و نهی از منکر

ما در اصل ۲۶ قانون اساسی احزاب و گروه‌ها را داریم.^۳ این‌ها می‌توانند در نقد دولت، در ارزیابی عملکرد دولت و مقامات دولتی، بیشترین خلاقیت را داشته باشند. احزاب و

۱. اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

۲. اصل ۱۷۵ قانون اساسی: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.»

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

۳. اصل ۲۶ قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا

گروه‌ها مجموعه‌هایی هستند که در این حوزه می‌توانند به حل مسائل سیاسی، اجتماعی، معضلات و منکرات ورود پیدا کنند و کمک کنند تا مفاصد سیاسی و اقتصادی حل شود. اصلاً احزاب و گروه‌ها بیابند ماموریت‌های خودشان را بازخوانی کنند و امر به معروف و نهی از منکر را یکی از ماموریت‌هایشان بدانند. شما اگر یک حزب سیاسی یا یک انجمن صنفی داشتید که در ماموریت‌های خودش این را تعریف و اضافه کرد، باعث می‌شود یک نگاه مثبت‌تر به احزاب شود. کارآمدی آن‌ها هم طبیعتاً بیشتر خواهد شد. اصلاً شرع و علما هم این نگاه به احزاب را تایید می‌کنند. حتی شما اگر مشروح مذاکرات را در تدوین اصل هشتم ببینید، اول آیه ۱۰۴ سوره آل عمران آمده بود. آیت الله مشکینی با تعجب گفتند ما نمی‌دانیم چرا این آیه عوض شد. اول آیه‌ی «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آمده بود. اصلاً لسان اصل هشتم می‌گوید: دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی. آیه‌ی مناسبتش هم، همین آیه‌ای بود که قرائت کردم. بعد مشخص نیست چرا به جای این آیه، آیه‌ی «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آمد. این آیه ۱۰۴ سوره‌ی آل عمران را ببینید. می‌گوید باید در میان شما گروهی باشند. اصلاً گروهی از میان مردم وظیفه دارند امر به معروف و نهی از منکر کنند. می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ»؛ حالا می‌تواند مردم یا دولت باشد. مثل نهاد حزبی که ما در گذشته در دولت‌های اسلامی داشتیم. ولی می‌خواهم بگویم این ظرفیتی است که حتی ما می‌توانیم در بحث احزاب و گروه‌ها ببینیم. مجموعه‌های مردم‌نهاد هم می‌توانند در این حوزه وارد شوند و از این ظرفیت جمع‌ات و گردهمایی‌ها استفاده

اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

۱. آیه ۱۰۴ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

۲. صحبت آقای مشکینی: «اولاً در این آیه دعوت به خیر است، ثانیاً می‌خواهیم اصل را راجع به تمام طبقات بگوییم پس اگر آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» باشد بهتر است.» ر.ک: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۴۰۹.

کند. قرآن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ یعنی باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری؛ خب این گروه‌ها دنبال این هستند. یک فتوایی را از کتاب تحریرالوسیله‌ی امام بخوانم، امام در باب امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «اگر اقامه یک واژه یا از بین بردن یک منکری متوقف باشد و امر به معروف یا نهی از منکر می‌خواهید بکنید، یکی، دو تا سه تا نمی‌شود، یک مجموعه‌ای باید باشند که تحقق این پدیده صورت بگیرد. امام می‌فرماید: اینجا به اندازه کفایت باید یک گروه تشکیل شود.^۱ تجمعات و گروه‌هایی هایی که شما در قانون اساسی‌تان دارید، می‌تواند یک مستند فقهی و شرعی هم داشته باشد.

۴-۳- سایر ظرفیت‌های قانون اساسی در تحقق امر به معروف و نهی از منکر

شما نظارت‌هایی که در اصل نود قانون اساسی^۲ و یا از طریق دیوان عدالت اداری از مجموعه‌های دیگر می‌توانید داشته باشید، آن‌ها هم در نوع خودش می‌تواند برای ظرفیت‌سازی در راستای تحقق نظارت عمومی کمک کننده باشد.

۱. «اگر اقامه واجبی، یا ریشه کن کردن منکری (در جامعه)، متوقف بر این باشد که [عده‌ای اجتماع نمایند] عده‌ای با هم در امر (به معروف) یا نهی (از منکر) اجتماع نمایند، با اقدام بعضی از آنان، و وجوب ساقط نمی‌شود و باید در این جهت به مقدار کافی اجتماع کنند». موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه: اسلامی، علی، ۴، جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. اصل ۹۰ قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

تبیین مفاهیم مندرج در اصل هشتم قانون اساسی و ارتباط این اصل با سایر

اصول قانون اساسی

(دکتر اکبر طلا بکی)

۱- عدم تلازم عدم تفحص در امر به معروف و نهی از منکر با تصادفی بودن آن

اولین نکته‌ای که به نظر من مطرح است، بحث عنوان این نشست؛ یعنی نظارت عمومی است. نکته‌ای که جناب استاد فرمودند، در واقع نظارت را تعریف کردند و فرمودند نظارت رسمی با نظارت عمومی متفاوت است و امر به معروف و نهی از منکر نوعی امر تصادفی است و در آن جستجو و فحوص نیست.

من در مورد اینکه در امر به معروف و نهی از منکر ما جستجو، تفحص و تجسس نداریم، با جناب استاد هم‌نظر هستم. منتها معتقدم اینکه ما بخواهیم تفحص و جستجو را نفی بکنیم دلیل نمی‌شود که ما بگوییم امر به معروف و نهی از منکر یک امر تصادفی است. بنده معتقدم همان طور که فرمودند و تعریف کردند در امر نظارت، امر به معروف و نهی از منکر امری است مستمر؛ و گروهی می‌توانند برای امر به معروف و نهی از منکر بیانند کار بکنند. اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را یک امر تصادفی بدانیم، به نظرم دیگر ما برای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توانیم سازمان تعریف بکنیم؛ یعنی اینکه بگوییم یک عده‌ای دور هم جمع بشوند و برای امر به معروف و نهی از منکر حزب تشکیل بدهند، به نظرم با امر تصادفی خیلی همخوان نیست. بله؛ این را می‌پذیرم که چون ما امر به معروف و نهی از منکر را در حوزه عمومی مطرح می‌کنیم، بنابراین قطعاً ما در امر به معروف و نهی از منکر نیاز به آن تجسسی که ممکن است دولت و نهادهای دولتی انجام بدهند، نداریم. یک دلیل دیگر هم این است که در واقع اصل هشتم قانون اساسی، نظارت دولت بر مردم را هم مورد شناسایی قرار داده است. این خودش نشان می‌دهد که ذیل اصل هشتم می‌تواند نظارت رسمی و سازمان‌دهی شده قرار بگیرد.

۲- مفهوم دعوت به خیر در اصل هشتم قانون اساسی

چون عنوان این نشست ظرفیت‌های اصل هشتم است، نکته دومی که من باید عرض بکنم آن است که به نظر من یکی از ظرفیت‌های مغفول اصل هشتم قانون اساسی بحث دعوت به خیر است. شما اصل هشتم را که مطالعه می‌فرمایید ابتدایش این طور هست که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای

است همگانی. عمده‌تأ اصل هشتم قانون اساسی به عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده است. در حالی که بحث دعوت به خیر بحث بسیار مهمی در این حوزه است که در واقع مقدمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. من برای اینکه بتوانم تفاوت عمده‌ی بین دعوت به خیر با امر به معروف و نهی از منکر را بیان کنم، لازم است که یک توضیحی راجع به امر و نهی خدمت شما عرض بکنم.

۱-۲- لزوم وجود امر و نهی در امر به معروف و نهی از منکر

اولاً؛ بعضاً فقها امر به معروف و نهی از منکر را این‌گونه تعریف می‌فرمایند: طلب الامر علی جهت الاستعلاء؛ یعنی بنا به تعبیر مقام معظم رهبری، شما در امر به معروف و نهی از منکر، بکن، نکن دارید. در واقع شما امر می‌کنید به دیگری و جایگاه شما هم مهم نیست. ممکن است شما مرئوس باشید و دیگری رئیس شما باشد ولی شما باید به او امر کنید. اما در دعوت به خیر، جایگاه دعوت مهم است. این با امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است. این تفاوتی که عرض کردم، تفاوت شکلی بود.

۲-۲- دعوت به خیر زمینه‌ساز تحقق امر به معروف و نهی از منکر

ثانیاً؛ یک تفاوت مهم دیگری که در بین این دو هست، به لحاظ محتوایی است. وقتی ما از منکر صحبت می‌کنیم، عمده‌تأ گفته می‌شود زمانی شما می‌توانید نهی از منکر بکنید که فرد عامداً و عالماً مرتکب منکر شود؛ یعنی آن فرد باید بداند این کاری که دارد انجام می‌دهد، اشتباه یا فرض کنید حرام یا غیرقانونی است. اما در دعوت به خیر اگر فردی در واقع جاهل به حکم باشد شما آگاهش می‌کنید. این تفاوت است با نهی از منکر. اینجا شما فرد را آگاه می‌کنید. بنابراین شما می‌توانید بخش مهمی از وظایفی که دولت در حوزه آموزش دارد را در ذیل دعوت به خیر قرار بدهید؛ یعنی مقدمه بشود برای اینکه از ابتدا شما باید فرد را آموزش بدهید. در این حوزه، فرد عالم به این حکم می‌شود و اگر عالماً و عامداً مرتکب حرام یا نقض قانون شد، اینجا می‌توانید امر و نهی بکنید که این بحث بسیار مهمی است. در حقیقت برای اینکه شما بتوانید منکر را از بین ببرید و معروف را ایجاد بکنید با فرهنگ‌سازی و دعوت به خیر است؛ یعنی ایجاد و مبنای بسیاری از سازمان‌هایی که شما دارید را می‌توانید ذیل اصل هشتم بگنجانید.

۳- مفهوم واژه‌ی «قانون» در اصل هشتم قانون اساسی

من یک نکته‌ای راجع به انتهای اصل هشتم بیان کنم: می‌گوید شرایط، حدود و کیفیت آن را «قانون» معین می‌کند؛ یعنی آن دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر سه‌گانه‌ی مردم به دولت، دولت به مردم، مردم به مردم را قانون تعیین می‌کند. همان زمان در جلسه‌ی تدوین این اصل که واژه‌ی «قانون» در ذیل اصل آمد، سوال شد که منظور از قانون در اینجا چیست؟ شهید بهشتی که نایب رئیس بودند، فرمودند ما وقتی اینجا از قانون صحبت می‌کنیم، منظورمان هم خود این قانون؛ یعنی قانون اساسی و هم قانون مصوب مجلس است.^۱ به نظر من برداشت از کلمه‌ی قانون در اینجا نکته‌ی مهمی است. به این معنا که شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون اساسی هم معین می‌کند. اصل هشتم جزء اصول کلی قانون اساسی است. برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر را ما می‌توانیم در برخی دیگر از اصول قانون اساسی ملاحظه بکنیم و این نکته مهمی است. عنصری را که دکتر جوان آراسته به آن اشاره کردند، درست فرمودند. فرض کنید بحث مطبوعات، احزاب و جمعیت‌ها، بحث اجتماعی که برای نهی از منکر تشکیل می‌شود، این‌ها به نوعی می‌تواند ذیل این اصل هشتم قرار بگیرد. یعنی به نظر می‌رسد اصل هشتم یک ظرفیت بالایی دارد که اصول دیگر قانون اساسی می‌تواند ذیل آن تعریف شود. به عنوان مثال، بنده معتقدم بحث جرم سیاسی ارتباط وثیقی با امر به معروف و نهی از منکر دارد که اگر فرصت شود به آن اشاره می‌کنم. بعضی از اصول دیگر قانون اساسی هم با این اصل مرتبط است و بنابراین اصل هشتم ظرفیت بالایی دارد.

۱. صحبت آقای رشیدیان: «قانون معین می‌کند را، مشخص بفرمایید که کدام قانون معین خواهد کرد و بهتر است بنویسیم «این قانون و قوانین دیگر». نایب رئیس- ما برای آینده سعی می‌کنیم عبارت‌هایمان هر قدر ممکن است کوتاه‌تر باشد و چون هر متنی یک واژه برای خودش دارد، بهتر است قرار بگذاریم که وقتی می‌گوییم قانون معین می‌کند یعنی قانون این کشور یعنی قانون اساسی معین می‌کند یعنی این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند و این کار را یک‌جا باید بکنیم و تا آخر دیگر تکرار نکنیم. آقای انواری بفرمایید.» صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۴۰۹-۴۱۰.

۴- نسبت میان اصل هشتم قانون اساسی و جایگاه رهبری

بر همین اساس باز بنده در این زمینه با جناب دکتر جوان آراسته هم‌نظر هستم که در واقع مقام معظم رهبری هم ذیل اصل هشتم قرار می‌گیرند. منتها با این تفسیر که بنده معتقد هستم ایشان ذیل بحث دعوت به خیر قرار می‌گیرند. با این توضیح که بنده معتقدم یکی از وظایف مهمی که امت دارد و در فقه و در روایات ما به آن اشاره شده است، النصیحه لائمه المسلمین است. این موضوع ذیل دعوت به خیر قرار می‌گیرد. باز این توضیح دارد. گرچه راجع به این مسئله حتماً اختلاف نظراتی وجود دارد ولی بنده معتقدم موضوع امر به معروف رهبری، ذیل النصیحه لائمه المسلمین است. به نظر بنده اصل ۱۰۷ قانون اساسی نیز ذیل اصل هشتم می‌تواند تعریف شود. به عبارت دیگر یکی از وظایف مجلس خبرگان رهبری همین بحث النصیحه لائمه المسلمین است که تفسیر آن را باید در جای خودش اشاره کرد.

۵- نظارت همگانی در اصل هشتم قانون اساسی

نکته بعدی که به نظر ما باید به آن اشاره کنم، بحث نظارت عمومی و نظارت همگانی است که جزء عنوان این نشست هم داریم. ابتدائاً ذیل اصل هشتم، آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آمده بود که بعضی از آقایان در زمان تدوین این اصل گفتند شما در اصل، عبارت نظارت همگانی را نوشته‌اید و این عبارت با لفظ امت که به نوعی خاص یک افرادی است، ممکن است معارض باشد. بنابراین آن آیه را حذف کردند و آیه‌ای که الان در اصل وجود دارد را قرار دادند. اما دلیل این دوستان چه بود؟ این‌ها می‌گفتند چون امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است. واجب کفایی، واجبی است که اگر گروهی انجام بدهند از عهده دیگران

۱. اصل ۱۰۷ قانون اساسی: «پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»

ساقط می‌شود؛ یعنی چون واجب کفایی است باید واژه‌ی «امّه» باشد. نکته‌ای که در این رابطه باید به آن توجه کرد آن است که چون خطاب عام است، واجبات چه کفایی و چه عینی باشند هیچ فرقی نمی‌کند. یعنی اینکه اگر امری، واجب کفایی هم باشد، منافاتی با همگانی بودنش ندارد؛ یعنی خداوند از همگی ما خواسته امر به معروف و نهی از منکر بکنیم. اما اگر گروهی از ما نقض قانونی را دیدند و نهی از منکر کردند و جلوی آن نقض قانون گرفته شد، از عهده دیگران ساقط است. این به معنای این نیست که این همگانی نیست. این نکته‌ای است که باز به نظر م باید به آن توجه بشود. یعنی ظرفیت همگانی بودن اصل هشتم قانون اساسی است.

۶- نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

نکته‌ی بعد که باید عرض کنم، رابطه‌ی بحث امر به معروف و نهی از منکر و حریم خصوصی است. این هم به نظرم نکته‌ای است که باید توجه شود. بعضی‌ها می‌آیند حریم خصوصی را به گونه‌ای موسّع تعریف می‌کنند و بعد می‌گویند امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی تعارض دارد. در حالی که این مهم است که ما حریم خصوصی را چگونه تعریف بکنیم. به‌عنوان مثال ما اگر در فضای عمومی منکری را ببینیم می‌توانیم نهی از منکر کنیم یا فرض کنید طبق «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» چون قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، فضای عمومی محسوب می‌شود، می‌توان نهی از منکر کرد.^۱ یعنی این مکان را فضای عمومی می‌دانند. بسته به اینکه شما کجا را فضای عمومی بدانید، آنجا می‌توانید امر به معروف و نهی از منکر کنید. پس این به این معنا نیست که شما بگویید اینجا حریم خصوصی است، پس امر به معروف و نهی از منکر تعارض دارد؛ نه، شما باید اول تعریف‌تان را از حریم خصوصی و عمومی بگویید. این نکته را برای این گفتیم که برسم به مطلب آخرم و آن ظرفیت مهم اصل هشتم قانون اساسی است که من در واقع اسمش را امر به معروف و نهی از منکر مسئولان گذاشتم.

۱. ماده (۵) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

تبصره - اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.»

۷- مسئولان، اولویت امر به معروف و نهی از منکر

من معتقدم که اگر شما بیانات مقام معظم رهبری را توجه بفرمایید، چندین بار ایشان فرمودند ما در بحث منکرات و معروف‌ها باید بیاییم و اولویت‌بندی بکنیم. اولویت ما در منکرات چیست؟ ایشان اشاره می‌کنند. تمام اولویت‌هایی که ایشان می‌آورند، آدم وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند همه‌ی منکرات راجع به مسئولان است. فساد اقتصادی، رابطه‌بازی و پارتی‌بازی؛ یعنی ما باید نسبت به این‌ها اولویت‌بندی بکنیم. وقتی اولویت‌بندی کردیم، می‌بینیم در این سه عرصه‌ای که اصل هشتم دارد که می‌گوید مردم به دولت، دولت به مردم و مردم به مردم، آن اصل مهم‌تر، مردم نسبت به دولت است. اما وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید ما متأسفانه هنوز در این زمینه خوب نتوانستیم مباحث را تبیین کنیم. اصل هشتم می‌گوید شرایط، حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند. شما اگر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را نگاه کنید، به این مسئله که مردم، مسئولان را امر به معروف و نهی از منکر بکنند توجه کردند و این را جزء حقوق مردم دانستند. اما شما می‌بینید راجع به شرایط و حدود و کیفیت آن خیلی بحثی نداریم. اگرچه خدا را شکر می‌کنیم و از کسانی که این قانون را تصویب کردند تشکر می‌کنیم. آیا همان شرایطی که فقها در مورد امر به معروف و نهی از منکر مردم به مردم دارند، برای امر به معروف و نهی از منکر مسئولان هم صادق است یا خیر؟ مثلاً می‌گویند شرط تأثیر. وقتی بر شما واجب است که بدانید بر شخص تأثیر دارد، آیا نسبت به مسئولان هم لازم است تا شرط تأثیر را احراز کنیم یا خیر؟

شما باید فردی که مسئول است و منکری را مرتکب شد، نهی از منکرش بکنید. آیا شما می‌توانید در جلوی جمع و حضوری مسئولی را نهی از منکر بکنید؟ آیا می‌توانی علنی بگویی؟ می‌توانی به صرف یکسری اطلاعاتی که به شما رسیده، بگویی شما مرتکب این منکر شدی یا شما باید مطمئن بشوی و مدارک کامل داشته باشی؟ شما می‌بینید که این‌ها خیلی در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر اشاره نشده است.

به همین دلیل بنده با جمع تمام نکاتی که عرض کردم، معتقدم عزیزانی که در مجلس این قانون را نوشتند تمام حدود و شرایط و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر که در اصل هشتم آمده است را بیان نکردند. خودشان هم در مقدمه‌ی این قانون می‌گویند ما نمی‌خواستیم بیان بکنیم. می‌گویند ما فقط می‌خواستیم یک مسئله‌ای را حل بکنیم. در

واقع خود این‌ها هم این ادعا را ندارند که همه‌ی این حدود و کیفیت و شرایط را بحث کردند. من معتقدم ما با توجه به ارتباط وثیق اصل هشتم با بحث آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات، تشکیل اجتماعات و احزاب، جرم سیاسی، همچنین امر به معروف و نهی از منکر مسئولان، آزادی‌های سیاسی و مدنی که به نظر من حوزه بسیار مهمی است، راجع به امر به معروف و نهی از منکر، قانون بسیار جامع‌تری می‌توانیم داشته باشیم. من بحثم را با یک جمله از مقام معظم رهبری ختم بکنم. ایشان در سال ۱۳۹۶ در جمع مسئولان قضایی می‌فرمایند: «برخی مکرر می‌گویند بعضی اصول قانون اساسی معطل مانده، اما گویا آن‌ها اصل هشتم قانون اساسی که مربوط به امر به معروف است جزء اصول قانون اساسی نمی‌دانند. حمایت از آمران به معروف و وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه است.»^۱ رهبری در سال ۹۶ این را گفتند؛ یعنی دو سال بعد از تصویب قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر. من برداشتم این است که ایشان معتقدند کماکان ما راجع به اصل هشتم قانون اساسی خیلی کار داریم و خیلی بحث داریم؛ یعنی اصل هشتم قانون اساسی ظرفیت بالایی دارد. یک اشاره‌ی دیگری بکنم. ایشان در سال هفتاد و چهار در جمع دیدار با نخبگان حوزوی می‌گویند ما در بسیاری از مباحث مرتبط با حکومت هنوز خوب کار نکردیم. ایشان اشاره صریح می‌کنند و می‌گویند بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، مسائل حکومتی و بسیاری مباحث مربوط به زندگی مردم مباحثی است که فقه باید وارد این میدان‌ها شود. البته خوشبختانه من اطلاع دارم در قم دروس خارج فقه راجع به امر به معروف و نهی از منکر داریم و کارهایی شروع شده. ان شاء الله بتوانیم از این ظرفیت عظیم استفاده کنیم.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در منظومه‌ی قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران

(دکتر حامد نیکونهاد)^۱

عنوان نشست یک زیر‌عنوانی به نام ظرفیت‌ها، دستاوردها و چشم‌اندازها دارد. در واقع این نشست به دنبال مطرح کردن آن ابعادی از قانون اساسی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و مغفول مانده، ظرفیت‌های تحقق نیافته، ظرفیت‌های بالقوه‌ای که همچنان نیازمند کار پژوهشی است و البته عزم و اراده برای اجرایی شدن وجود دارد. همین طور چشم‌اندازهایی که به ویژه در دوران گام دوم انقلاب می‌تواند در ادامه راه داشته باشد. به نظر می‌رسد از این بُعد که نگاه تبیینی و تحلیلی نسبت به اصول قانون اساسی می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. یعنی ما بدانیم چه فرآورده‌ای در اختیارمان است. این محصولی که امروز تحت عنوان قانون اساسی در اختیار ما است چه اوصاف و ظرفیت‌هایی دارد و ما به دنبالش حرکت کنیم و مطالبه‌گری داشته باشیم.

۱- امر به معروف و نهی از منکر جزء اصول کلی و مبنایی قانون اساسی

اساتید نکات مهمی را فرمودند. من سعی می‌کنم نکاتی را اشاره کنم که کمتر توجه شده یا نگاه خودم را نسبت به آن نقاط مشترک عرض کنم. نکته اول این است که همان طور که فرمودند: اصل هشتم، در شمار اصول کلی قانون اساسی است. اصول کلی، یک ویژگی خاصی که دارند این است که زیربنای برخی دیگر از اصول قانون اساسی هستند؛ یعنی نقش تغذیه‌کننده دارند. اصول دیگر قانون اساسی را می‌توان به این اصول ارجاع داد. نکته دیگر این است که اصول مندرج در فصل اصول کلی، آن‌های کلی نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. در واقع اگر کسی بخواهد با یک نگاه ببیند اصول بنیادین و شاخص‌های حکمرانی در یک نظام حقوق اساسی کجاست، عمدتاً می‌تواند این‌ها را در فصل اصول کلی ببیند. بعد شما وقتی با این نگاه بروید سراغ قانون اساسی، متوجه می‌شوید که چه مقوله‌هایی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران وزن دارند. آن موقع اصل ده که مربوط به خانواده است^۲، معنا پیدا می‌کند. اصل یازده

۱. هیئت علمی دانشگاه قم.

۲. اصل ۱۰ قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری

که در مورد سیاست خارجی است، مبتنی بر تشکیل امت واحده اسلامی معنا پیدا می‌کند.^۱ امر به معروف و نهی از منکر و سایر مباحث معنا پیدا می‌کند. اصل هشتم در شمار چنین اصولی است. یعنی شما باید یک حساب ویژه روی اصل هشت باز بکنید.

۲- اهمیت و جایگاه اصل هشتم قانون اساسی

۱-۲- جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات

اولاً؛ اگر بخواهیم آن تأکیدات مکرر در مکرر در ادبیات روایی‌مان و همین‌طور تصریحات قرآنی را به این مسئله اضافه بکنیم، می‌بینیم که چقدر این فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد. حضرت امیر(ع) فرمودند: همه واجبات و فضایل و حتی جهاد در راه خدا، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای در مقابل دریا است.^۲ این وزنی است که این مقوله در ادبیات دینی ما دارد که یک آیه‌ی شاخص هم در انتهای این اصل اضافه شده است. البته اصول دیگری هم داریم که آیات قرآنی در آن ذکر شده است. این‌ها جزء قانون اساسی است. یعنی جزء اصل است. اتفاقاً کمک می‌کند تا ما مبنای اصل هشت را بشناسیم. وقتی در مورد آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه که در اصل ذکر شده به تفسیر میزان مراجعه بفرمایید، مرحوم علامه طباطبایی بسیار زیبا این آیه را تبیین کرده‌اند.^۳

روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۱. اصل ۱۱ قانون اساسی: «به حکم آیه کریمه: *إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون*، همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

۲. حکمت ۳۷۴ نهج البلاغه: «... وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّي؛ وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ؛ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ.» ترجمه: «تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در جنب امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز به مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور. امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کند، و نه از روزی می‌کاهد. و بهتر از همه اینها سخن عدل است در برابر حاکم ظالم» <https://b2n.ir/991266>

۳. آیه ۷۱ سوره مبارکه‌ی توبه: «*وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ*» ترجمه: «مردان و زنان مؤمن بعض از ایشان اولیاء بعض دیگرند، امر به معروف می‌کند و از منکر نهی

۲-۲- اعطای جواز امر به معروف و نهی از منکر از سوی شارع مقدس

آقای دکتر طلابکی فرمودند ما حق داریم امر به معروف و نهی از منکر کنیم. امر و تکلیف هم است. باید و نباید و بکن، نکن است. این را ما با چه مجوزی نسبت به یکدیگر انجام می‌دهیم؟ مبنای امر و نهی نسبت به حاکمیت را از کجا می‌آوریم؟ مبنایش کجاست؟ روی چه حسابی من حق دارم امر کنم؟ مبنای توجیه‌کننده این چیست؟ مگر ما اصل عدم ولایت را نداریم؟ در تحلیل منازعات اجتماعی، به عنوان اصل اولی، هیچ احدی بر احدی ولایت ندارد الا ما خرج بالدلیل. یکی از دلایلیش این است. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». ولایت را خدا قرار داده است. اگر شما وارد یک جایی

می‌نمایند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، آنها را خدا به زودی مشمول رحمت خود می‌کند، که خدا مقتدری است شایسته کار» در تفسیر این آیه آمده است: «بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک حال عامه مؤمنین را بیان می‌کند و می‌فرماید: مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند، تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می‌شوند. و به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر می‌کند و از منکر نهی می‌نماید. آری، بخاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است - آنها ولایتی که تا کوچکترین افراد اجتماع راه دارد - که به خود اجازه می‌دهند هر یک دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز بدارد. آنگاه مؤمنین را به وصف دیگری توصیف نموده می‌فرماید و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة نماز به پا میدارند و زکات می‌پردازند؛ و این نماز و زکات دو رکن وثیق در شریعت اسلام است، اما نماز رکن عبادات غیر مالی است که رابط میان خدا و خلق است، و اما زکات رابطه ای است که در معاملات میان خود مردم برقرار است. سپس وصف دیگری از ایشان را برشمرده، می‌فرماید: نو یطیعون الله و رسوله، در این جمله تمامی احکام شرعی را در یک جمله کوتاه اطاعت خدا و تمامی احکام ولایتی که پیغمبر در اداره امور امت و اصلاح شؤون ایشان دارد، از قبیل فرامین جنگی و احکام قضائی و اجرای حدود و امثال آن را در یک جمله کوتاه اطاعت رسول جمع کرده است. هر چند می‌توان گفت که اطاعت احکام خدا که از آسمان نازل شده از یک نظر دیگر اطاعت رسول است، زیرا این رسول است که برای دعوت به اصول و فروع دین قیام نموده، پس اطاعت احکام خدا اطاعت او نیز هست. اولنک سیرحمةم الله - در این جمله از این معنا خبر می‌دهد که قضای الهی شامل حال این گونه افراد شده و رحمت او اشخاص متصف به این صفات را در برخواهد گرفت. و گویا این جمله را آورد تا مقابل آن جمله ای قرار گیرد که در باره منافقین فرموده بود: نسوا الله فنسیهم. و نیز ظاهراً جمله ان الله عزیز حکیم را آورد تا رحمت خود را تعلیل کرده، بفرماید رحمت من هیچ منافاتی با عزت و سلطنتم ندارد و به هیچ وجه حکمتم را نیز دچار اختلال و وهن و آمیخته با جفاف نمی‌سازد.» طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۹، ص ۴۵۵.

شدید که مجال امر به معروف و نهی از منکر بود و کسی به شما گفت به تو چه؛ یعنی به خدا دارد می‌گوید به تو چه. معنی صریح این آیه این است. خدا این را قرار داده است. این حساسیت اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است. امر به معروف و نهی از منکر یعنی این. به این خاطر است که این آیه خیلی هوشمندانه در این اصل قرار داده شده است.

۳-۲- امر به معروف و نهی از منکر عامل همبستگی بین آحاد اعضای جامعه

این آیه که در این اصل قرار داده شده، یک همبستگی و ولایت مؤمنانه بین آحاد اعضای جامعه برقرار کرده است. این اصلاً خودش تقویت‌کننده همبستگی ملی است که از اهداف مقرر در اصل دوم قانون اساسی است. اصل دوم قانون اساسی پایه‌های ایمانی را می‌گوید، روش‌ها را می‌گوید و در انتها سه تا هدف را تبیین می‌کند. قسط و عدل همه جانبه، استقلال همه جانبه و همبستگی ملی.^۱ امر به معروف و نهی از منکر دقیقاً تقویت‌کننده همین نکته است.

۴-۲- امر به معروف و نهی از منکر به مثابه تکلیف همگانی

نکته بعدی این است که اصل هشت به صراحت می‌گوید وظیفه، تکلیف. این وظیفه همگانی است. ما نباید این را صرفاً به سطح یک حق، تقلیل بدهیم. اشتباهی که «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» کرده است. گفته مردم حق دارند همه اعضای حاکمیت و قوای سه‌گانه را امر به معروف و نهی از منکر کنند. حق دارند؛ یعنی

۱. اصل ۲ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح؛

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا،

که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین؛

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

می‌توانند. اینکه معلوم است که می‌توانند. نیاز به گفتن ندارد. قانون اساسی می‌گوید تکلیف دارد. شما تکلیف را عوض می‌کنید می‌نویسید حق. تکلیف، ادبیتش خیلی برنده‌تر است. وقتی شما می‌خواهید وارد امر به معروف و نهی از منکر بشوید می‌گویید من دارم به تکلیف قانونی‌ام عمل می‌کنم. در جلوی شما مقاومت کمتری برمی‌انگیزد. شما نمی‌توانید جلوی اجرای تکلیف قانونی من را بگیرید. ما هنوز اصل هشتم را نشناختیم و اصلاً اجرا نکردیم. اصل هشتم، مغفول نامانده است؛ من می‌گویم اصل، تعطیل شده است. اصلاً ما برای این اصل کاری نکردیم. دو سه تا جوان کشته شدند، سراسیمه نشستند «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را نوشتند. اینکه نشد اجرای اصل هشت. همه رؤسای جمهور می‌روند و می‌آیند، می‌گویند ما مسئول اجرای قانون اساسی هستیم، انگار نه انگار اصل هشت هم جزء اصول قانون اساسی است. خب چرا این اصل را عملیاتی نمی‌کنید؟ چرا هیچ لایحه‌ای نمی‌دهید؟ چرا هیچ وقت نمایندگان مجلس دنبال طرح نمی‌روند؟ شاهد مثالش همان طرحی است که فرمودید اصلاً به سرانجام هم نرسید.^۱ آن طرح را گذاشتند کنار و قانون حمایت از آمران نوشته شد. خب تا موقعی که اصل هشت اجرا نشود و خوب فهم نشود، همین وضعیت ادامه خواهد داشت. ببینید دوستان، ما در حقوق اساسی، ضمانت اجراهای قواعد حقوق اساسی را توضیح می‌دهیم. در حقوق اساسی این همه باید و نباید بر عهده حاکمیت وضع می‌کنیم. الان ضمانت اجرای اصل هشتم، چیست؟ از شما می‌پرسم. نظارت عمومی همین است؟ فرمودند رسانه‌ها، انجمن‌ها، احزاب، مساجد، هیئت‌ها و همه تجمعاتی که ما داریم، این‌ها می‌تواند ضمانت اجرا باشد و با ادبیات مطالبه‌گرایانه روی حاکمیت فشار بیاوریم. اصلاً اصل هشتم، ابزار ضمانت اجرای قانون اساسی است. خود اصل هشت، ابزار ضمانت اجرای قانون اساسی است. ما همه نگران اجرای قانون اساسی هستیم. ملت باید برای اجرای قانون اساسی از این ابزارها استفاده کند. از مشروح مذاکرات یک نکته‌ای دارم که در ادامه عرض می‌کنم. شما ببینید غیر از اصل هشتم، ما دو سه جای دیگر در قانون اساسی داریم که برای شهروندان تکلیف مقرر شده است. مثلاً ببینید، در واقع اصل نهم می‌گوید صیانت از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی بر عهده

۱. طرح امر به معروف و نهی از منکر، اعلام وصول در مجلس: ۱۳۸۹/۳/۲ و طرح امر به معروف و

نهی از منکر اعلام وصول در مجلس: ۱۳۹۱/۴/۲۰

یکی از اعضای جامعه است.^۱ تقریباً متناظر با این، اصل ۱۵۱ را داریم که بیان می‌کند آحاد جامعه آموزش‌های نظامی را ببینند و در قوانین عادی هم خدمت سربازی و دفاع از تمامیت سرزمینی را آوردم.^۲ ما در اصل ۵۰، به عنوان یک تکلیف عمومی و همگانی بحث حفاظت از محیط زیست را داریم.^۳ در قوانین عادی یک‌سری ضمانت اجراها وجود دارد که آن هم باز قانون است. در اصل ۱۴ باز برای مسلمانان یک وظیفه خاص نسبت به غیرمسلمانان داریم که در واقع حقوق آن‌ها را پاس بدارند و با آن‌ها با احترام رفتار کنند.^۴ باز برای این هم ضمانت اجرای خاصی وجود ندارد. اصل هشتم هم یک

۱. اصل ۹ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

۲. اصل ۱۵۱ قانون اساسی: «به حکم آیه کریمه (وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ اٰخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ) دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.» مواد (۱) و (۲) قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹: «ماده ۱- دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم، وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشد و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد تبصره ۱- با توجه با اصل ۱۵۱ قانون اساسی واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موظف است در اسرع وقت امکانات آموزش نظامی اتباع اناث دولت جمهوری اسلامی ایران را با رعایت کلیه موازین شرعی فراهم نماید. این آموزش برای اناث الزامی نیست. تبصره ۲- وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری نیروهای مسلح آموزشگاهی را که زمینه ساز آمادگی دفاعی است طبق موازین اسلامی در برنامه‌های آموزشی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان پیش بینی نماید. این آموزش برای دختران تنها در زمینه‌های دفاع غیر نظامی خواهد بود. ماده ۲- هر فرد ذکور ایرانی در ماهی که طی آن ماه به سن هجده سال تمام می‌رسد مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی است.»

۳. اصل ۵۰ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

۴. اصل ۱۴ قانون اساسی: «به حکم آیه شریفه (لَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا كَفَرُوْا فِي الدِّيْنِ وَ لَمْ

تکلیف است. برای اینکه تکلیف محقق شود باید تبدیل به قانون شود و ضمانت اجرا برایش تعریف شود. اگر کسی از این تکلیف تخطی کرد ضمانت اجرایش چیست؟ حالا چه در حوزه حاکمیت یا مردم نسبت به یکدیگر یا حکومت نسبت به مردم، فرقی نمی‌کند، همه مفاهیم این اصل قابلیت پیش‌بینی ضمانت اجرا دارد. مگر نه اینکه تکلیف است؟ مگر نه اینکه «باید» است؟ «باید»، یعنی کاری انجام بشود؛ اگر نشد چه؟ ضمانت اجرایش چیست؟ آیا می‌توانیم به این سمت برویم که برای کسی که از این تکالیف مقرر در قانون اساسی تخطی کرد محرومیت از حقوق اجتماعی در نظر بگیریم؟ مگر نمی‌گوییم قانون اساسی میثاق ملی است؟ مگر نه اینکه الزام‌آور است؟ خب این‌ها هیچ فکری برایش نشده است. باز یک اشاره مبنایی من بکنم. در نظام امت و امامت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس شده است، امت یعنی ملت مسلمان ایران، هم در تأسیس، هم در اداره، هم در نظارت بر حکومت نقش فعال دارند. مردم از طریق رفراندوم یا همه‌پرسی نظام را تأسیس کردند.^۱ برای اداره امور جامعه، به استناد اصول ۶ و ۷ اصل شورا را داریم^۲ و در حوزه نظارت هم اصل نصیحت و النصیحه لائمه المسلمین را داریم. بنابراین این موضوع یک نهاد بومی مبتنی بر اندیشه‌ی زیربنای نظام جمهوری اسلامی است.

يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

۱. اصل اول قانون اساسی: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یک‌هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.»

۲. اصل ۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» اصل ۷ قانون اساسی: «طبق دستور قرآن کریم: (وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) و (شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ)، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.»

۳- امر به معروف و نهی از منکر ابزاری برای براندازی حکومت فاسد

نکته دیگر این است که امر به معروف و نهی از منکر به ما نشان می‌دهد، قانون اساسی جمهوری اسلامی برای آحاد جامعه مشارکت مسئولیت‌محور تعریف کرده است. این موضوع خیلی نکته مهمی است. ادبیات رایج در قوانین اساسی کشورهای مختلف، ادبیات حق‌محور است. شما حق مشارکت دارید. می‌توانید شرکت کنید، می‌توانید شرکت نکنید. قانون اساسی، ادبیات مسئولیت‌محور را در بر گرفته است. شما مقدمه قانون اساسی را ببینید. می‌گوید آحاد جامعه وظیفه دارند جامعه‌سازی کنند. می‌گوید ما دنبال این هستیم که یک جامعه نمونه بسازیم. الگو بشویم. شما قرار است نمونه بشوید. امر به معروف ابزار جامعه‌سازی است. جامعه‌ای که خود فرد می‌خواهد در آن حیات رو به رشدی داشته باشد. یک نکته جالب از مشروح مذاکرات بگویم. ابتدا در مقام طراحی نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام پنج قوه‌ای پیشنهاد شده بود. غیر از این قوای سه‌گانه، قوه ملت و قوه رهبری هم پیشنهاد شده بود و بعد در ادامه مباحث، سرنوشت دیگری را ما داشتیم. بعضی از نمایندگان در دفاع از این نظام پنج قوه‌ای این‌طور اشاره می‌کردند که می‌گفتند ما یک قوه ملت می‌خواهیم تا ملت خودش بعضی از امور را مستقیماً دنبال کند؛ نه از طریق قوای سه‌گانه و نه از طریق نظریه‌ی نمایندگی، خودشان به طور مستقیم دنبال کنند. مثلاً چه مواردی؟ قیام ملی، دفاع ملی، همه‌پرسی و امر به معروف و نهی از منکر.^۱ جلد یک مشروح مذاکرات در صفحات ۵۱۵ تا ۵۱۷

۱. صحبت‌های آقای قرشی: «مسأله دیگر درباره وزارت امر به معروف و نهی از منکر است. از آیات قرآن و اعمال مسلمانان گذشته این‌طور به نظر می‌آید که در اسلام ما دو گونه امر به معروف داریم، یک امر به معروف عمومی و خواهش و تقاضایی و به طور ارشاد که در اینجا مسأله فقط این است که از طرف خواهش بکنیم و ارشاد و نصیحت بکنیم و به حکم آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و روایت نبوی که می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» در همین مضمون است. در اینجا آن‌طور که من احساس می‌کنم آن‌چه که در روایت فرموده: اول ارشاد و بعد سخت‌گیری آن وقت زدن و سپس زخمی کردن را نمی‌توانیم عملی کنیم زیرا اگر این مسأله مربوط به عموم امر به معروف کنندگان باشد، معلوم است که وضع جامعه به هم می‌خورد که هر کس هر کسی را در هر محلی دید بزند و بگوید فکر می‌کنم ارشاد شدنی نیست. و یکی امر به معروف به موجب آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». اینها هم گروهی باشند مسؤول و متعهد و معین شده از طرف دولت که با یک مسئولیت‌های به خصوص و وظایف معین شده کارهای اجتماع را زیر نظر بگیرند و نظارت داشته باشند و ببینند در ادارات و غیر آن مردم احکام اسلامی را چه

آقای سبحانی و آقای ربانی شیرازی مستقیم می‌گویند ما یک قوه ملت می‌خواهیم. قیام ملی.^۱ در مشروح مذاکرات چنین ایده‌ای بوده. عالی‌ترین سطح امر به معروف و نهی از منکر، قیام علیه حکومت جائر است.^۲ درس عاشورا چیست؟ حضرت فرمودند: من

مقدار پیاده می‌کنند. بنده این‌طور به نظر می‌آید که در قانون اساسی راجع به تشکیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر یک ماده‌ای حتماً گنجانده شود.» صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸، ص ۷۲.

۱. صحبت‌های آقای ربانی شیرازی: « اصل دیگری که بنا است بعداً مورد تأیید قرار بگیرد، اصلی است که مربوط به قیام ملی است یعنی حق مردم در قیام ملی در برابر استبداد و در برابر انحرافات.» صحبت‌های آیت‌الله سبحانی: «وقتی فقیه بخواهد اعمال ولایت کند، اعمال ولایت فقیه به وسیله خود مردم است و خود مردم به اذن فقیه دارای چنین حاکمیتی خواهند بود زیرا مردم می‌توانند به دو شکل اعمال حاکمیت کنند، گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم. غیر مستقیمش همان است که اینجا آمده است و مستقیمش آن است که به نام قوه ملت خواهد آمد. غیر مستقیم را از طرف قوه مجریه و قضائیه و مقننه اعمال خواهند کرد و شکل مستقیم آن تحت عنوان قوه ملت، به نام همه‌پرسی یا امر به معروف و نهی از منکر و دفاع عمومی و یا قیام عمومی خواهد بود که در اصل نهم همین پیش‌نویس آمده است و ما هنوز درباره‌اش بحث نکرده‌ایم. بنابراین، این اصل نه تنها منافاتی با آن مسأله ندارد، بلکه برای ترمیم همان است و مردم باید برخیزند و تحت ضوابطی حکومتی را تشکیل دهند و قسمتی از این قدرتها، مانند مجریه، مقننه و قضائیه را به دولت می‌دهند و یک قسمت را خودشان برای روزی نگی می‌دارند و از آن استفاده می‌کنند، از قبیل همه‌پرسی و قیام ملی و دفاع ملی و امر به معروف و نهی از منکر و این اصل هیچ نوع منافاتی با اصل ولایت فقیه ندارد.» صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸، صص ۵۱۵-۵۱۷.

۲. صحبت‌های آقای پرورش: « عالی‌ترین مکتب‌ها و نظام‌ها این است که می‌گویند قدرت را از دست جابر و طاغوت می‌گیریم و خودم را هم احیاناً تزکیه می‌کنم ولی به ملت بر نمی‌گردانم، خودم به عنوان قیام ملت قدرت را برای ملت در دست می‌گیرم و نگه می‌دارم. در حالی که در اسلام این‌طور نیست، در اسلام قدرت را از دست نظام جابر می‌گیرد و در خودش کانون می‌دهد، تمرکز می‌دهد و تصفیه و تزکیه می‌کند و بعد قدرت را بین مردم پخش می‌کند. این مسأله سوم که شاید در اسلام ویژگی خاصی دارد و در هیچ مکتبی نیست باید در قانون اساسی مورد توجه عمیق واقع شود چرا؟ چون می‌بینیم این مرحله سوم است که از هر نوع انحراف و کژی جلوگیری می‌کند، چون مرحله سوم، مرحله‌ایست که قدرت تصفیه و تزکیه شده به جمعیتی که به نام مؤمن و مسلمان در دایره اسلام هستند، واگذار شده است. باز آیات قرآن در این مورد زیاد است «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و...» اصل امر به معروف و نهی از منکر، استنصار یکی از اصول مسلم اسلام و قرآن است که اگر به کسی ظلم شد باید بیاید در معرض عمومی و از مردم استنصار بکند، این را اسلام به عنوان یک نیرو و

می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. عالی‌ترین درجه‌اش رسیده به قیام علیه حاکمیت جائز. یعنی اصل امر به معروف و نهی از منکر چنین ظرفیت بالایی دارد. بله؛ از سؤال، تذکر و استیضاح و راهپیمایی شروع می‌شود و می‌تواند به براندازی حکومت فاسد و جائز بینجامد. این اصل چنین ظرفیتی دارد.

۴- رابطه‌ی حق آزادی تجمعات و تکلیف امر به معروف و نهی از منکر

نکته مهمی که من می‌خواهم در این مقطع عرض کنم آن است که ما در قانون اساسی حق تجمع داریم. فرمودند به عنوان مصادیقی از اجرای امر به معروف و نهی از منکر؛ بله همین طور است. اما، نظام حقوقی ما در حوزه قوانین عادی به نظر می‌رسد که طوری عمل کرده که این ابزارها را به عنوان ابزارهای در راستای امر به معروف و نهی از منکر کم‌اثر کرده است. اگر بناست راهپیمایی و تظاهرات و تجمعات ابزاری باشد برای امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی در مقام اجرای یک تکلیفی باشد که قانون اساسی و شرع مقدس در درجه اول مقرر کرده است، دیگر چه معنایی دارد که برای برگزاری تجمع، مجوز کسب شود؟ ببینید ما اعلان قبلی را قبول داریم. بالاخره باید تدبیر شود. ولی وقتی شما می‌گویید من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و باید از خودش اجازه بگیرم، این یعنی چه؟ کجای موازین شرعی هم گفته اگر شما می‌خواهی کسی را امر به معروف و نهی از منکر کنی باید از خودش اجازه بگیرد؟ من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم که شما این کار را نکن، این کار را نکن. به نظر می‌رسد اگر ما این را گره بزنیم به اراده حکومت، در واقع کاری از پیش نبردیم و در مسیر اجرای این اصل گام برنداشتیم. این‌ها مهمترین نکاتی بود که به نظرم خوب بود در خصوص ابعاد اصل هشت قانون اساسی، اصل مغفول و مظلوم قانون اساسی، در این نشست مطرح کنم.

قوه به رسمیت می‌شناسد در حالی که در قانون اساسی از مسأله استنصار که به عنوان یک اصل اسلامی است حرفی زده نشده، از مسأله امر به معروف و نهی از منکر یادی نشده، از مسأله ارشاد جاهل و به تعبیر برادر عزیزمان آقای حسینی تنبیه غافل یادی نشده است یعنی خلاصه از قوه ملت که اسلام، در مرحله سوم این قوه تصفیه شده را به آنان واگذار می‌کند و در حقیقت حاکمیتی را برای ملت این چنین حساب شده و دقیق به رسمیت می‌شناسد، متأسفانه یادی نشده است. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸، صص ۵۵-۵۶.

پرسش و پاسخ

سؤال:

یک بحثی که در این اصل می‌شود ملاحظه کرد و شاید بشود در قالب انتقاد به این اصل داشت، بحث ترتیب احصاء موارد امر به معروف و نهی از منکر است. اولین موردش خیلی دقیق است. مردم نسبت به یکدیگر، که بحث حوزه عمومی است. اما دومین مورد آن بحث دولت نسبت به مردم است. این خیلی از موضع بالا به پایین است؛ یعنی از بالا به پایین دارد انتقاد می‌کند و بعد سومین مورد و آخرین مورد، مردم نسبت به دولت مطرح شده است. اگر براساس مردم‌سالاری، دموکراسی و ابعاد حوزه عمومی بخواهیم مطرح کنیم، این چیش بهتر بود که اول امر به معروف و نهی از منکر مردم به مردم مطرح می‌شد، بعد مردم به دولت و بعد از آن دولت نسبت به مردم. آیا اساتید در مشروح مذاکرات دلیل خاصی دیده‌اند که این ترتیب مطرح شده یا خیر؟ احصاء براساس ترتیب بوده یا خیر؟

پاسخ:

دکتر جوان آراسته: به نظرم این اشکال وارد است. من خودم در بعضی از موارد به ذهنم آمده بود. حالا مردم نسبت به مردم که هیچ. اگر ما همان‌طور که دوستان اشاره کردند، مهم‌ترین مصداق امر به معروف را نسبت به قدرت بدانیم، طبیعتاً عبارت «دولت نسبت به مردم» باید جایش را به «مردم نسبت به دولت» بدهد. به نظرم این اشکال وارد است. در مذاکرات دلیل خاصی ندیدم.

دکتر طلابکی: مشروح مذاکرات اصل هشتم خیلی کوتاه است. دلیلش این است که این‌ها در جلسات صبح خیلی از مباحث را مطرح می‌کردند. در جلسات اصلی؛ یعنی جلسات بعد از ظهر مختصر صحبت می‌شد و تصویب می‌شد. لذا این‌ها اصلاً مطرح نشده است.

دکتر نیکونهاد: به نظرم اثر خاصی بر تقدم و تأخر مترتب نیست.

دکتر طلابکی: آن نکته‌ای که جناب آقای دکتر نیکونهاد فرمودند و بحث ولایت را مطرح کردند، صحیح است. منتها اگر از باب اولویت بگویید من هم نظرم همین است که باید ترتیب موارد مذکور در اصل هشتم تغییر می‌کرد. شما اگر به احادیث مراجعه کنید اهمیت امر به معروف و نهی از منکر مسئولان را متوجه می‌شوید. یک نکته‌ی

جالب عرض کنم؛ ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سال ۷۲ قرار بود تشکیل شود. یک عده‌ای خدمت مقام معظم رهبری رسیدند. ستادی که الان هست، الان قانونی است؛ آن موقع قانونی نبود. یک صحبت مفصلی ایشان دارند؛ بعد ایشان یک اشاره‌ای می‌کنند به این حدیث، می‌گویند حدیث داریم که اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید اشرار بر شما مسلط می‌شوند.^۱ این را بروید فکر کنید. این جمله ایشان است. بروید فکر کنید این کدام منکر است که اگر شما نهی‌اش نکنید اشرار بر شما مسلط می‌شوند. مشخص است که ایشان در تمام سیر بحث‌هایشان توجه به این نکته داشتند که امر به معروف مسئولان همیشه اولویت دارد. لذا اگر ما بخواهیم از باب نگارش اولویت‌مندان نگاه بکنیم، من هم موافقم؛ یعنی بهتر بود اول امر به معروف مسئولان را می‌آوردند.

سوال:

جناب دکتر جوان آراسته، در بیاناتی که فرمودید به نظر می‌رسید که شما خیلی موافق همین «قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر» هستید. به نظر من که این طور آمد. ما حدیث داریم که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک ننمایید وگرنه بدترین افراد بر شما حکومت خواهند کرد و دعا‌های شما مستجاب نخواهد شد. همین‌طوری که جناب دکتر طلابکی فرمودند این حدیث خطابش به مردم است. الان حکومت در رابطه با همان امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم، سازکار تعیین کرده است. «قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر» را تصویب کرده است. اما در رابطه با اینکه مردم چگونه این امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به مسئولین اجرا کنند، هیچ سازکاری مشخص نکرده است. در صورتی که بیشتر همین آیات و روایات خطابش به مردم، برای امر به معروف و نهی از منکر مسئولین است. از

۱. نامه ۴۷ نهج‌البلاغه از وصیت‌های حضرت علی (ع) به حسن و حسین علیهما السلام است، وقتی که ابن ملجم لعنه الله علیه به او ضربت زد: «... وَ عَلَيكُمْ بِالتَّوَّاضُلِ وَ التَّنَادُلِ وَ اِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ لَا تَتْرَكُوا الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ بر شما باد به پیوند با هم و بخشش مال به یکدیگر، و بپرهیزید از دوری و قطع رابطه با هم. امر به معروف و نهی از منکر را وانگدارید، که بد کارانتان بر شما مسلط شوند، آن‌گاه دعا کنید و به اجابت نرسد.» مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۷۲/۱۲/۱۳ پیرامون این نامه مطالبی را فرموده‌اند.

آن طرف تازه محدود هم کرده، قانون جرم سیاسی را تصویب کرده، که با توجه به ماده یک و دو، عملاً نمی‌شود هیچ انتقادی نسبت به مسئولی انجام داد.

پاسخ:

دکتر جوان آراسته: مطلبی که بنده عرض کردم به معنای موافقت با این قانون نیست. من اتفاقاً مثلاً مسئله شورای عالی، امر به معروف را در مقابل این ستادی که الان در قانون هست، به عنوان یک انتقاد مطرح کردم. همین طور که جناب دکتر نیکونهاد مطرح کردند، آن طرح اولیه، دو طرح شد؛ یعنی آن طرح راجع به قانون امر به معروف و نهی از منکر بود که سرانجام و فرجام پیدا نکرد. بعداً به شکل نیمه‌کاره‌ای به این قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر منتهی شد. این قانون بخش‌هایی از آن طرح اولیه است. این انتقاد به آن وارد است. من عرض کردم آن دو ماده دقیق تنظیم شده است. البته مسئله انفصال خدمت مقامات اینجا آمده است. فقط یکسویه دولت نسبت به مردم نیست. اما به نظر من این قانون اشکالاتی دارد. چون سوال کردید می‌گویم. این قانون تأیید شد؛ یعنی از طرف شورای نگهبان تأیید شد. برای رئیس جمهور محترم ارسال شد. چون دولت ملاحظاتی داشت، رئیس جمهور محترم امضا نکرد.

۱. مواد او ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

«ماده ۲- جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث - نشر اکاذیب»

بعد از آن به هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه که مقام معظم رهبری تعیین کرده بودند ارجاع شد. آن شورا گفتند بله؛ ملاحظاتی که ریاست محترم جمهوری دارد در برخی از موارد قابل تامل است ولی چون قانون است این باید اجرا شود و بعد اصلاحات انجام شود. مجمع تشخیص مصلحت برای بنده فرستاد. یعنی مکتوب محرمانه‌ای که به ریاست جمهوری داشت و ملاحظاتی را که آن هیأت عالی حل اختلاف داشتند، برای من فرستادند که شما ببینید و نظر دهید. به بنده گفتند شما نظر دهید که اگر یک زمانی این قانون بخواهد عملیاتی شود، تداخل بین اقدامات مردمی با نهادهای دولتی چگونه قابل حل است؟ می‌خواهم عرض بکنم چنین ملاحظاتی را داشتند. این قانون اشکالات این طوری را دارد. اما اجمالاً خودش از خودش بهتر است.

سوال:

جناب دکتر طلابکی یک بحثی را مطرح کردند و گفتند امر به معروف و نهی از منکر نمی‌تواند هم تصادفی باشد و بدون تجسس و تفحص صورت بگیرد و هم برای آن ستاد تشکیل بدهیم. من این را هم متوجه نشدم و نسبت به این جملات، نقد دارم؛ چرا که هم می‌تواند تصادفی باشد، هم می‌تواند ستاد و شورا داشته باشد. به این صورت که مردم در زندگی عادی و روابطشان به این وظیفه‌ای که در قانون اساسی مطرح شده عمل نمی‌کنند. در واقع هر منکری می‌بینند نهی نمی‌کنند یا امر به معروف نمی‌کنند. این ستاد می‌تواند در مواردی که مشاهده می‌کند و مشهود است، بدون تفحص این دو کار را انجام دهد و نیاز به تفحص ندارد. صرف اینکه ما ستاد تشکیل بدهیم، لزوماً نباید اجازه تفحص را بدهیم. به نظرم صرف مشاهده، برای ادامه کار این ستاد کفایت می‌کند.

پاسخ:

دکتر جوان آراسته: من همین را می‌خواهم عرض بکنم. وقتی ما می‌گوییم تصادفی، البته آن ملاحظه‌ای که دکتر طلابکی داشتند منافاتی ندارد، فقط این توضیح در واقع تسریع‌کننده برداشت است. ابداً این «تصادفی بودن» نافی وجود نهادهای دائمی نیست. شما در حوزه امر به معروف یک سازمان مردم‌نهادی دارید؛ این همیشه هست. آن مسئله راجع به این است که این فرد یا مجموعه، وارد یک اداره‌ای می‌شود و می‌بیند این اداره یک موسیقی مبتدل گذاشتند. این را مشاهده می‌کند. اینجا امر به معروف است. اما این نمی‌آید به عنوان یک نهاد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر شنود کار بگذارد. در نظارت عمومی‌اش این کار را انجام می‌دهد. در حالی که چه بسا مقامات رسمی به لحاظ

نظارت سازمانی خودشان حق داشته باشند شنود بگذارند. یک جاهایی نظارت تشکیلاتی اقتضا می‌کند، تجسس بکنند و ببینند این مأمور اداری وظایفش را انجام می‌دهد یا خیر؟ اینکه ما می‌گوییم «تصادفی»، یعنی آن طوری که مشاهد می‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر می‌کند؛ برخورد می‌کند. این هیچ منافاتی با آن دائمی بودن و همیشگی بودن یک سازمان ندارد.

دکتر طلابکی: بحث من ناظر به این بحث بود. من ستاد هم نگفتم، گفتم سازمان. فرضم را با یک مثال می‌گویم. یک عده از مردم دور هم جمع می‌شوند، یک سازمان مردم نهاد ایجاد می‌کنند. کار این‌ها این است که روی اموال و دارایی مسئولان تمرکز کنند. فرض کنید الان اموال مسئولان اعلام می‌شود. ببینید من عرضم این است، من گفتم نیاز به شنود ندارد، عرضم این است که این به نظرم تصادفی نیست. من یک سازمان ایجاد کردم که به طور دائم و هدفمند، امور را رصد کند. نه اینکه اگر یک جایی به گوشم خورد که یک مسئولی خلاف کرد، امر و نهی‌اش کنم. این تصادفی می‌شود.

اما یک وقت یک سازمان درست می‌کنم برای اینکه هر جا را رصد کنم. من مردم، نه ابزار شنود و نه هیچ ابزار دیگری ندارم؛ ولی در همین فضای عمومی با توجه به تسهیلاتی که به من داده شده و یا با اطلاعاتی که از بیرون به من می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم. الان شما در کشور ببینید. مرکز پژوهش‌های مجلس یک پژوهشی کرده بود که می‌گوید بیش از چهل درصد مفاسدی که در سازمان‌های حکومتی اتفاق می‌افتد را نهادهای مردمی افشا می‌کنند. اصلاً ما نهادی داریم که ویژه‌اش این کار است. دنبال این کار است. چون اگر فساد را کشف کند به آن جایزه می‌دهند. همین که جدیداً در کشور ما مطرح شده است. یعنی اصلاً من این سازمان را ایجاد کرده‌ام که کشف مفاسد دولتی را دنبال و پیگیری کنم تا به من جایزه هم بدهند. من می‌گویم این دیگر تصادفی نیست. چون اتفاقی به گوش من نخورده است. من این سازمان را برای این کار ایجاد کردم. بله؛ ولی این لزوماً به معنای شنود هم نیست. یعنی قابلیت این را دارد که هم سازمانی باشد و تصادفی نباشد و هم نیازمند تجسس نباشد. چون ایرادی که من گرفتم همین بود. ما اصلاً حریم خصوصی مسئولان را مشخص نکردیم. آیا حریم خصوصی من مسئول با حریم خصوصی یک فرد عادی یکی است. من می‌گویم این طور نیست. وقتی شما مسئول شدی، اموال و درآمدت باید در معرض دید همه باشد. اگر نمی‌خواهی مسئول نشو؛ کسی شما را زور نکرده. اگر مسئول شدی، پس دیگر تو

حریم خصوصی نداری. اینجا نمی‌توانیم بگوییم اگر کسی اموال یک مسئولی را افشا کرد وارد حریم خصوصی‌اش شده. من گفتم ما باید اول حریم خصوصی و حریم عمومی را تعریف کنیم. اینجا حریم عمومی است. اموال مسئولان حریم عمومی است. اگر این را تعریف کردیم، ورود من سازمان مردم‌نهاد در این حوزه به هیچ عنوان تجسس نیست. پس هم می‌تواند تصادفی نباشد و سازمان‌دهی شده و با برنامه و رصد دائم باشد، هم می‌تواند تجسس نباشد. من می‌گویم این دو قابل جمع است. حالا مگر روی لفظ تصادف بحث داشته باشیم.

دکتر جوان آراسته: اگر از روی برنامه و رصد دائمی، با عناوین دیگری صورت بگیرد هیچ بحثی نیست. اما من عرض می‌کنم اینکه می‌فرمایید یک مجموعه از افراد یا سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به دنبال کشف ترک معروف‌ها یا ارتکاب منکرات باشند، این خلاف شرع است. این کار به عنوان امر به معروف و نهی از منکر خلاف مسلمات شرع انور است. تمام فقهایی که در بحث امر به معروف و نهی از منکر بحث کرده‌اند، گفته‌اند ابداً نباید به دنبال این باشید که ببینید یک فرد یا یک مقام دولتی چه کاری انجام می‌دهد. آن مواردی که فرمودید، در ارتباط با نظارت رسمی است. نظارت‌های رسمی که دولت دارد، از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست. آن موارد یک سازمان یا مقامی است که زیرمجموعه خودش را می‌گذارد و این‌ها حتی عندالضروره باید تجسس بکنند. آن‌ها لازم است.

اما اینکه یک مجموعه‌ای به دنبال این باشد که ببیند درآمدهای مقامات یا غیرمقامات چقدر است، این فرد نماز می‌خواند یا نماز نمی‌خواند، این فرد که یک مقام دولتی است، فلان منکر را مرتکب می‌شود یا خیر و آیا عروسی می‌گیرد و عروسی‌اش به چه شکلی است؟ این به دنبال بودن و رصد کردن با نهی از منکر شرعی سازگاری ندارد. یعنی شما کتب فقهی را که ببینید، می‌گویید آنجایی که می‌بینید و مشاهده می‌کنید که یک معرفی ترک شده است، برخورد کنید. آن مواردی را که شما گفتید، سازمان، وظیفه دارد، بله، آن سازمان اصلاً می‌تواند راه برود در خیابان و با منکرات برخورد کند. همین جا من یک نکته دیگر بگویم که این خیلی مهم است. ببینید ما یک نهادی، به نام نهاد حسبه داشتیم. این شبهه به خاطر این به وجود آمده است که این نهاد حسبه گاهی با این قضیه خلط شده است. در خلافت‌های اسلامی، نهادهای حسبه یا محتسبین، اولاً مأمورینی از طرف دولت بودند و ثانیاً ضمن اینکه این‌ها همزمان بخشی از عمل‌شان جنبه امر به معروف و

نهی از منکر بود، اما بخشی از آن مربوط به این موضوع نبود. مثلاً به نانوایی می‌رفت و می‌گفت شاطر بیا انگشت‌هایت را به من نشان بده که ناخن‌های تو بلند است یا نیست. در کتاب‌های حسبه، این‌ها را داریم. اگر این شاطر ناخن انگشتش بلند است و می‌خواهد خمیر بگیرد، این بهداشتی نیست؛ این را برخورد می‌کرد. یا مثلاً گوشت فروشی را نگاه می‌کرد، که این گوشت به اندازه وزن می‌شود یا خیر؟ یک بخشی از این بحثی که شما داشتید مربوط به اینجاست. زیبایی انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر آن است که یک عملی در فضای عمومی انجام شده باشد.

دکتر طلابکی: اتفاقاً من این را عرض کردم، به خاطر اینکه کتب فقهی ما اکثراً امر به معروف و نهی از منکر را در حوزه‌ی فردی دیده‌اند؛ می‌گویند شما حق ندارید بروید دنبال کشف منکر. یعنی امر به معروف و نهی از منکر فردی وضع شده است. ما این را در حکومت نداشتیم. اتفاقاً بحث من این است: مگر ما در ذیل اصل هشتم، نمی‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر دولت به مردم؟ پس معلوم می‌شود قانون‌گذار اساسی در اصل هشتم، ذیل امر به معروف و نهی از منکر، نظارت رسمی را هم پذیرفته است. منتها باید این‌ها را تفکیک کنیم. یک بخش است که امر به معروف مردم به مردم است. اینجا شما حق تجسس ندارید. بله، من هم می‌گویم شما حق ندارید بروید گناه یک فرد را تفحص نکنید. این درست است. اما یک بخش اصل هشتم می‌گوید دولت به مردم، اینجا مردم حق دارند. پس امر به معروف شئون مختلف دارد.

جوان آراسته: امام در فرمان هشت ماده‌ای به صراحت با ذکر مصادیق، در مقام همین قضیه بودند که قوه قضائیه حق ندارد وارد بعضی از موارد شود.^۱

۱. فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) خطاب به قوه قضائیه و ارگان‌های اجرایی کشور، مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۴: «در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی بویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانسپین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند:

۱ - تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد، که کار قوه قضائیه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲ - رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور،

شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیه‌های جاهلانه که گاهی از تندرورها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزشهایی که در رژیم سابق داشته‌اند، مگر آنکه با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

۳- آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به‌طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.

۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاهها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستانها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید

شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند.

و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لہو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پنخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸- جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، و جناب آقای نخست وزیر موظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند. و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداریها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأتها ارجاع نمایند و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم، و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند. باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواستہ به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود.

باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - متصل فرماید «انّه قریب مجیب». والسلام علی عبادالله الصالحین.

دکتر طلابکی: نمی‌گویند حق ندارد، بحث متفاوت است. شما الان خودتان اشاره کردید. الان وزارت بهداشت اگر بتواند یک جایی مراجعه بکند و موارد بهداشتی را تذکر دهد مثل همان کاری است که حسبه می‌کرد. پس اینجا اختلاف داریم. چون من معتقدم این نظارت‌هایی که از سوی دولت صورت می‌گیرد این‌ها امر به معروف است. اظهار نظر مردم به حکومت هم امر به معروف است. منتها متفاوت است؛ یعنی حریم خصوصی‌ها متفاوت است. اعتقاد من این است که ما در این حوزه به لحاظ فقهی هنوز کار مناسب انجام ندادیم. حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در فقه با رویکرد «فردی» است. شاید یک زمانی بگویند من اشتباه می‌کنم. من نمی‌گویم قطعاً من درست می‌گویم. ولی به نظر من حدود، شرایط و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر مردم به مسئولان با مردم به مردم می‌تواند متفاوت باشد. ما در این حوزه کار نکردیم.

سوال:

با توجه به اینکه در قانون آمران به معروف، نظارت بر ارکان حکومت بحث شده است، چگونه با بحث التزام عملی به ولایت فقیه قابل جمع است؟ چون از یک طرف بحث التزام عملی به ولایت فقیه داریم، از طرف دیگر می‌گوییم می‌شود کل اجزای این حکومت را امر به معروف و نهی از منکر کرد.

پاسخ:

دکتر نیکونهاد: التزام عملی به ولایت فقیه به معنی اعتقاد نداشتن و به معنی عدم انجام سایر تکالیف نیست. یعنی در مقام عمل، ضدیت و معارضه نداشتن؛ التزام یعنی این. یعنی شما این موضوع را به عنوان یک اصل قانونی و پذیرفته شده بپذیرید و عملی برخلاف آن انجام ندهید. بله، ممکن است شما بگویید کسی اصلاً ولایت فقیه را قبول ندارد. ادعای فردی این است که این ولی فقیه، آن ولی فقیه واجد شرایط نیست یا احراز کرده که آن اوصاف شرعی و قانونی از ولی فقیه سلب شده است؛ در این صورت به تکلیف شرعی خودش عمل می‌کند. اینجا طبعاً برای او التزام به چنین ولی فقیه‌ی معنا ندارد. چون برایش محرز شده است. من حدس و گمان را نمی‌گویم. احراز را می‌گویم. آنجا تکلیفش فرق می‌کند. شما در صورتی باید التزام به ولی فقیه داشته باشید که ولی فقیه را واجب‌الاطاعه بدانید. اگر کسی برایش محرز شده باشد که چنین فردی یک چنین صلاحیتی ندارد، طبعاً تکلیفی هم به التزام ندارد.

سوال:

در حال حاضر بر سر اجرای اصل هشت قانون اساسی بحث داریم. در اجرای این اصل با یک رویکرد تماماً سلیقه‌ای مواجه هستیم و حکومت با در اختیار داشتن قدرت، هیچ تمایلی به اینکه این حق را برای آحاد ملت به رسمیت بشناسد، ندارد. لذا تصویب یک‌سری قوانین، مانند «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» صرفاً رویکردی برای جلوگیری از اتفاقات قبلی است که در این سال‌ها افتاده است. آن قانون برای آن نابهنجاری‌هایی است که ما گاه‌ها در جامعه مشاهده می‌کنیم. بنابراین در حالت متعادل این حق برای مردم به رسمیت شناخته نشده است. ما وقتی مفاد برخی از مواد قانون را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم این اختیار برای قاضی قرار داده شده تا بتواند از هر رفتاری، که حتی ممکن است به حق هم صورت گرفته باشد، جلوگیری نماید. حتی همین حقی را که اصل هشت قانون اساسی برای مردم به رسمیت شناخته است؛ این قدر دستشان را باز گذاشته تا با تفسیرهایی که انجام می‌دهند، امر به معروفی را که همین قانون برای مردم به رسمیت شناخته، جلوگیری نمایند.

سؤال من این است که به نظر تان نظام جمهوری اسلامی تا به الان چقدر توانسته اجازه بدهد که مردم بتوانند از حکومت و قدرت انتقاد کنند؟ چقدر نظام اسلامی ما تلاش کرده که مسئله را با آنچه که نظر دین اسلام در این مورد هست، منطبق سازد؟ آیا نظام جمهوری اسلامی به مردم اجازه می‌دهد تا عملکرد دولت را زیر سؤال ببرند؟ همان‌طور که آقای دکتر نیکونهاد فرمودند، این قانون به دلیل اتفاقات فرهنگی که در این سال‌ها افتاد، تصویب شد.

پاسخ:

دکتر طلابکی: در واقع ما مباحثی که در اینجا مطرح کردیم در راستای ارتقای بحث بود. من خودم منتقد این قانون هستم ولی بد نیست که یکی دو ماده را بخوانم. من هم نسبت به این قانون متقدم ولی ما نباید نکات مثبت قانون را هم نادیده بگیریم. در ماده هشت این قانون به این نکته اشاره می‌کند که مردم در مورد عملکرد دولت، از حق دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد برخوردار هستند و در مورد شرایط و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات امر به معروف کنند.

بله، این ایرادی که دکتر نیکونهاد فرمودند که چرا گفتید حق، چرا نمی‌گویید وظیفه؟ این ایرادات در قانون وجود دارد. ماده (۹) همین قانون می‌گوید: «اشخاص حقیقی یا

حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است؛ علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اختطار، توبیخ، کسر حقوق یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.» که این امر نشان‌دهنده‌ی تضمین حق مردم در انجام امر به معروف و نهی از منکر بر اساس ضوابط این قانون است.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir